

بسم الله...

سلام!

بخواهید یا نخواهید ما دست از سرتان بر نمی‌داریم!

در خدمت شما هستیم با یک اتفاق واقعی!

تصور کنید ما وارد یک تیم مدیریت بحران شده‌ایم. بیماری کرونا وارد کشور شده و در حال تبدیل شدن به یک اپیدمی است. اگر نمی‌دانید اپیدمی چیست به عکس زیر نگاهی بیندازید:

/epidemi /

اپیدمی

مترادف اپیدمی: بیماری شایع، شیوع، عالمگیر، مسری، همه جاگیر

برابر پارسی: بیماری واگیر، فراگیری، همه گیری، همه گیری

فرهنگ فارسی

اپیدمی

شیوع مرض، بیماری عام، بیماری واگیر که عده بسیاری را مبتلا سازد

فرهنگ معین

اپیدمی

(اِ) [فر.] (اِ)، عارضه یا بیماری عام، بیماری ای که به عموم مردم سرایت کرده باشد، مسری، همه گیر (فره).

فرهنگ فارسی عمید

اپیدمی

۱. (پزشکی) شیوع بیماری ای که می تواند افراد بسیاری را هم زمان مبتلا کند.

۲. [مجاز] شیوع یک پدیده یا رفتار.

می‌خواهیم نقش‌مان را در اتفاقی که در جریان است پیدا کنیم.

حالا قبل از هر چیز به این سئوال‌ها فکر کنید و نظرتان را بنویسید:

۱. این تیم مدیریت بحران احتمالاً باید چه اجزایی داشته باشد؟ چه متخصصینی برای این تیم لازم است؟ اگر شما مدیر این تیم باشید، از چه کسانی با چه تخصص‌هایی دعوت به هم‌کاری می‌کنید؟

۲. تصور کنید در مقر مدیریت این تیم نشسته‌اید و در حال تبادل نظر با دیگران در رابطه با مشکلات پیش آمده هستید. پنج تا از بزرگ‌ترین مشکلاتی که الان در حال مطرح شدن در اتاق هستند کدام مشکلات‌اند؟

۳. الان در دوران اوج شیوع بیماری هستیم. شما در این برهه باید چه کار کنید؟

۴. حالا فکر کنید که این وضعیت به خوبی و خوشی تمام شده و این مهمان ناخوانده دم‌ش را گذاشته روی کولش و برگشته به زندگی‌ش در بدن همان میزبان‌های قدیمی‌ش؛ خفاش‌ها. الان وظیفه‌ی شما در ستاد مدیریت بحران چیست؟

خوف نکنید! در صفحه‌ی بعد می‌توانید کمی ایده و راه‌نمایی برای حل این تکلیف را مشاهده فرمایید!

راه‌نمایی‌ها:

اول: یکی از ایرادات همیشگی ما عدم توجه به مستندسازی بوده است. به این مورد توجه کنید: قطعاً این اتفاق اولین بحران حاصل از بیماری در کشور ما و جهان نبوده و نخواهد بود. شما فکرش را بکنید که مثلاً در روز سوم از آغاز شیوع کرونا بدانید چه اتفاقاتی ممکن است در روز دهم بیفتد. آیا در روند مدیریت شما تاثیر نخواهد داشت؟ قطعاً دید شما را نسبت به آینده باز خواهد کرد و تصمیمات بهتری خواهید گرفت.

مراجعه کردن به تجربیات گذشته می‌تواند همان نقشه‌ی راه ما باشد برای اطلاع از اتفاقاتی که احتمالاً در آینده رخ خواهد داد. مثلاً بروید و نگاهی به اتفاقات چین و پس از شیوع طاعون در اروپا ببندازید و ببینید این بیماری همه‌گیر چه طور وضعیت اقتصادی، فرهنگی و حتی سرنوشت جنگ‌ها را عوض کرده است. و یا به سراغ اتفاقات همه‌گیری وبا در سال ۱۲۹۴ خورشیدی (حین جنگ جهانی اول) در تهران بروید. ما معمولاً عادت کرده‌ایم که همه چیز را از اول شروع کنیم و برای هر کاری دوباره از اول آتش را اختراع کنیم! مراجعه به تجربیات قبلی مدیریت بیماری‌های همه‌گیر به شما کمک خواهد کرد.

دوم: بیا بید ببینیم الان دقیقاً با چه پدیده‌ای روبه‌رو هستیم؛ بیماری **جسمی‌ای** به جان مردم افتاده و اثراتش، هم جسمانی است و هم روانی. شما کارگر روزمزدی را در نظر بگیرید که مدتی است کار نمی‌کند و طبیعتاً این یکی دو ماه پولی در نمی‌آورد و باید برای خانه‌اش هم خرید کند. جنبه‌های جسمی و روانی این بیماری را با این سه مثال تحلیل کنید: آقای الف احساس سختی در نفس کشیدن می‌کند. به بیمارستان مراجعه کرده و از او تست کرونا می‌گیرند. مثبت می‌شود. آقای الف سکتته کرده و پیش از بروز علائم شدید بیماری کرونا می‌میرد. آقای ب برای محافظت از ویروس کرونا، الکل صنعتی مصرف کرده و پیش از ابتلا به کرونا در اثر مسمومیت در اورژانس مسمومین بیمارستان لقمان تهران می‌میرد.

در اهواز تعداد مرگ‌های ناشی از ترس از کرونا از تعداد افراد فوت شده در اثر کرونا پیشی گرفته است. هر سه ماجرای بالا واقعی بود.

ویروس کرونای جدید انگاری دارد بیش از یک ویروس تنفسی عمل می‌کند.

در پی شیوع بیماری‌ها معمولاً سه اتفاق مهم در حوزه‌ی روان‌شناختی مردم می‌افتد: تجربه‌ی ترس، بی‌اعتمادی و اضطراب بسیار زیاد، وسواس حاصل از بیمار نشدن و مراعات‌هایی مانند شستن مداوم و پی‌درپی دست و توهم قحطی. این آخری همان چیزی است که باعث می‌شود پیش از ورود بیماری به کشوری مثل ایرلند فروش‌گاه‌ها از مواد غذایی مربوط و غیرمربوط به بیماری خالی شوند.

سوم: از دیدن بعضی مسائل به چشم یک تحلیل‌گر اجتماعی غفلت نکنید. این ویروس یک ماه دیگر، یک سال دیگر بارش را جمع می‌کند و می‌رود اما بعضی پیام‌های قومیتی که برای ما ساخته دردناک است. شما را به احساس خودِ ما مردم نسبت به دانش‌جویان ایرانی که در وهان چین درس می‌خواندند، مردم قم، اتفاقاتی که در گیلان و مازندران افتاد ارجاع می‌دهم.

چهارم: روی کردها نسبت به مدیریت این بیماری متنوع و متفاوت است. دیدگاه فرهنگی را در نظر بگیرید و موارد چین، ایتالیا و انگلیس را در ذهن‌تان مرور کنید. برای حل این مشکل به عنوان مسئول ستاد مدیریت بحران به شما کمک خواهد کرد.

پنجم: برای جواب دادن به سؤال‌ها به این نکته توجه کنید که این‌جا لزوماً یک جواب مشخص وجود ندارد. می‌توانید با تنوع جواب‌هایتان غافل‌گیرمان کنید! برای جواب دادن به سؤالات عمیقاً در نقش‌تان فرو بروید! یک بحران در حال شکل گرفتن است و من و شما باید مدیریتش کنیم.

پ.ن: این روزها، همان روزهایی است که از مدت‌ها پیش منتظرشان بوده‌ایم. همه‌مان منتظر یک دوره‌ی تعطیلی غیرمنتظره بوده‌ایم که در آن کارهای عقب‌افتاده را انجام دهیم. امروز می‌تواند همان شبه‌ای باشد که قرار است کتاب خواندن و فیلم دیدن و ورزش کردن را شروع کنیم! اگر این روزها شبیه پیاز در خانه در حال جوانه زدن هستید و کاری برای انجام ندارید هم برای شما پیش‌نهادهای داریم! کافی است اظهار بی‌کاری کنید:))